

•

دکتر حمید احمدی

•

سیاست و حکومت
در خاورمیانه (غرب آسیا)
و شمال افریقا

•



فهرست مطالب

مقدمه ۱۵

بخش اول: تاریخ، تمدن و مذهب در خاورمیانه

فصل اول: خاورمیانه چیست و کجاست؟ ۲۱

پیدایش اصطلاح خاورمیانه ۲۲

خاورمیانه کجاست: هفت دیدگاه ۲۵

۱. خاورمیانه به عنوان جهان عرب ۲۵؛ ۲. خاورمیانه به معنی سرزمین‌های امپراتوری عثمانی ۲۵؛ ۳. دیدگاه اکثریت:

خاورمیانه یعنی کشورهای عربی، ترکیه و ایران ۲۶؛ ۴. خاورمیانه و شمال آفریقا ۲۶؛ ۵. خاورمیانه جدید ۲۷؛

۶. خاورمیانه بزرگ ۲۸؛ ۷. خاورمیانه یا غرب آسیا ۲۹

فصل دوم: خاورمیانه؛ کانون مذاهب و تمدن‌های بشری ۳۳

برآمدن تمدن‌های کهن بشری در میان‌رودان ۳۳

۱. تمدن مصر ۳۵؛ ۲. تمدن بابل ۳۶؛ ۳. هیتی‌ها ۳۷؛ ۴. فنیقی‌ها ۳۷؛ ۵. اسرائیلی‌ها ۳۸؛ ۶. آشوری‌ها ۳۹؛

۷. امپراتوری بابل جدید (کلده) ۳۹؛ ۸. تمدن ایرانی ۴۰؛ ۹. امپراتوری روم ۴۴

پیدایش تمدن اسلامی ۴۵

۱. خلافت امویان ۴۷؛ ۲. خلافت عباسیان ۴۸؛ ۳. رستاخیز ملی در ایران ۴۸؛ ۴. فاطمیان مصر ۴۹؛ ۵. ظهور

سیاسی ترک‌ها ۵۰؛ ۶. هجوم مغولان ۵۱؛ ۷. ظهور ممالیک در مصر ۵۱

فصل سوم: پیدایش و فروپاشی امپراتوری عثمانی ۵۳

پیشروی به سوی غرب مسیحی ۵۴

۶ سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال آفریقا

- ۵۶.....چالش شرق؛ ظهور دولت ملی ایران (صفویه)
- ۵۸.....زوال امپراتوری عثمانی
- ۶۲.....عوامل انحطاط و فروپاشی عثمانی
۱. ضعف رهبری ۶۲؛ ۲. پرداخت رشوه برای کسب مقام، سوگلی بازی و خویشاوندسالاری ۶۳؛ ۳. ضعف نظامی ۶۳؛
۴. اوضاع وخیم اقتصادی ۶۴؛ ۵. سقوط فکری ۶۴
- ۶۵.....دوره اصلاحات (تنظیمات)
۱. اصلاحات نظامی ۶۵؛ ۲. اصلاحات مالی - اقتصادی ۶۶؛ ۳. اصلاحات دینی - فرهنگی ۶۶؛ ۴. اصلاحات سیاسی ۶۷
- ۶۸.....تبارشناسی اصلاح طلبان عثمانی
۱. عثمانی های جوان ۶۸؛ ۲. ترک های جوان ۶۹
- ۷۰.....فروپاشی امپراتوری عثمانی
- ۷۳.....استراتژی بریتانیا برای فروپاشی عثمانی
۱. وعده به اعراب جدایی طلب (مکاتبات شریف حسین - مک ماهون) ۷۳؛ ۲. وعده به متفقین (قرارداد سایکس پیکو) ۷۴؛ ۳. وعده به جنبش صهیونیسم (اعلامیه بالفور) ۷۴
- ۷۶.....اهداف انگلستان از صدور اعلامیه بالفور
۱. برخورداری از کمک های یهودیان ۷۶؛ ۲. برخورداری از کمک داوطلبان یهود در جنگ ۷۷؛ ۳. کمک های فنی متخصصان یهود ۷۷؛ ۴. عامل انسانی در حل مسئله یهودآزایی ۷۷؛ ۵. کشاندن امریکا به جنگ جهانی ۷۷
- ۸۱.....فصل چهارم: شکل گیری کشورهای خاورمیانه امروز
- ۸۱.....ترکیه نوین
- ۸۲.....عراق و اردن
- ۸۳.....سوریه و لبنان
- ۸۵.....عربستان سعودی
- ۸۶.....شیخ نشین های جنوب خلیج فارس
- ۸۸.....شکل گیری کشورهای عربی شمال آفریقا
- مصر ۸۹؛ لیبی ۹۲؛ الجزایر ۹۴؛ تونس ۹۶؛ مراکش ۹۸

بخش دوم: گرایش های سیاسی در خاورمیانه

- ۱۰۳.....فصل پنجم: ناسیونالیسم عرب و پان عربیسم

فهرست مطالب ۷

۱۰۴	ناسیونالیسم عرب
۱۰۴	الف) عوامل پیدایش و گسترش ناسیونالیسم عرب
	عوامل بیرونی پیدایش ناسیونالیسم عرب ۱۰۴؛ عوامل درونی پیدایش ناسیونالیسم عرب ۱۰۸
۱۱۱	ب) انواع گرایش‌های ناسیونالیستی میان اعراب
	۱. ناسیونالیسم مذهبی (اسلامی) ۱۱۱؛ ۲. ناسیونالیسم سکولار (غیردینی) ۱۱۳؛ ۳. ناسیونالیسم رمانتیک پان‌عربی ۱۱۴؛ ۴. ناسیونالیسم الحاق‌گرا ۱۱۹؛ ۵. ناسیونالیسم منطقه‌ای ۱۲۰
۱۲۴	پ) مراحل ناسیونالیسم عرب
	۱. ناسیونالیسم قومی ۱۲۵؛ ۲. ناسیونالیسم شبه‌لیبرال وحدت‌طلب (۱۹۲۰-۱۹۵۶) ۱۲۷؛ ۳. ناسیونالیسم رادیکال پان‌عربی (۱۹۵۶-۱۹۸۱) ۱۲۹
۱۳۲	عوامل ناکامی ناسیونالیسم پان‌عربی
	۱. ناکامی در تحقق اهداف ۱۳۲؛ ۲. دامن‌زدن به کشمکش‌های درون‌عربی و ایجاد شکاف میان اعراب ۱۳۲؛ ۳. پایان‌دادن به آزادی‌های سیاسی مدنی و گسترش اقتدارگرایی در جهان عرب ۱۳۳؛ ۴. سیاست‌های حزب بعث در مسئله فلسطین و جهان عرب ۱۳۴؛ ۵. دوره ناسیونالیسم میانه‌رو و مدنی عرب (دهه ۱۹۸۰) ۱۳۵
۱۴۱	آرمان ناسیونالیسم معتدل عرب
۱۴۳	بهار عربی و ناسیونالیسم عرب
۱۴۵	فصل ششم: ناسیونالیسم یهود (صهیونیسم)
۱۴۵	دعاوی تاریخی و دینی یهودیان درباره فلسطین
۱۴۹	زمینه‌های رشد صهیونیسم در قرن نوزدهم میلادی
۱۵۱	سیاست انگلستان و مسئله صهیونیسم
	۱. دوره نخست (۱۹۲۰-۱۹۲۸) دوره موافقت کامل با خواسته یهودیان ۱۵۱؛ ۲. دوره دوم (۱۹۲۸-۱۹۳۶) دوره برقراری توازن میان یهودیان و اعراب ۱۵۲؛ ۳. دوره سوم (۱۹۳۹-۱۹۴۸) محدودسازی خواسته‌های یهودیان ۱۵۳
۱۵۶	از منتقدان نخستین تا پیدایش پست‌صهیونیسم
۱۶۱	فصل هفتم: ناسیونالیسم ترک و پان‌ترکیسم
۱۶۲	ناسیونالیسم ترک
۱۶۳	پان‌ترکیسم
۱۶۴	پروژه سیاسی پان‌ترکیسم

- ۱۶۵ مراحل گوناگون تحول پان ترکیسم
۱. مرحله قوم‌گرایی ۱۶۵؛ ۲. مرحله تبدیل به ایدئولوژی و استراتژی رسمی ترک‌های جوان ۱۶۶؛ ۳. مرحله انزوا و فعالیت‌های حاشیه‌ای در دوره آتاتورک ۱۶۷؛ ۴. مرحله نفوذ تدریجی در سیاست‌های دولت ترکیه ۱۶۸؛ ۵. مرحله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی: زایش دوباره ۱۷۰
- ۱۷۲ برنامه‌های نوین پان ترکیستی
- ۱۷۳ گام‌های عملی برای تحقق رؤیای پان ترکیسم
- ۱۷۵ مشکلات فراروی پان ترکیسم
- ۱۷۷ فصل هشتم: فرا ملی‌گرایی اسلامی: از سلفی‌گری سیدجمال تا سلفی‌گری ابوبکر بغدادی
- ۱۸۰ گرایش‌های اسلام سیاسی
۱. اسلام سیاسی روشنفکرانه ۱۸۱؛ ۲. اسلام سیاسی بنیادگرای میانه‌رو ۱۸۴؛ ۳. اسلام سیاسی رادیکال انقلابی ۱۹۳؛ ۴. اسلام سلفی خشونت‌طلبانه افراطی ۱۹۹
- ۲۰۷ آینده اسلام‌گرایی در خاورمیانه

بخش سوم: مسائل امروز خاورمیانه

- ۲۱۱ فصل نهم: دموکراسی و جامعه مدنی
- ۲۱۵ دوره‌های توسعه سیاسی در خاورمیانه
- دوره نخست: شبه‌دموکراسی‌های بی‌ثبات ۲۱۵؛ دوره دوم: اقتدارگرایی نظامی پان‌عربی ۲۱۵؛ دوره سوم: آزادسازی سیاسی از بالا، رشد و سرکوب جامعه مدنی ۲۱۶؛ دوره چهارم: انقلاب‌های مردمی، بهار عربی و سرخوردگی سیاسی ۲۱۸
- ۲۲۰ موانع دموکراسی و جامعه مدنی: دیدگاه‌های نظری
- ۲۲۷ نقش‌گرایی‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی
- اسلام سیاسی ۲۲۷؛ نقش عوامل خارجی و سیاست بین‌الملل ۲۲۹
- ۲۳۳ فصل دهم: توسعه اقتصادی در خاورمیانه
- ۲۳۳ اهمیت خاورمیانه در اقتصاد جهانی
- ۲۳۶ شاخصه‌های مثبت رشد پس از استقلال
- ۲۳۶ گذار از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد بازار
- ۲۳۹ برنامه تعدیل ساختاری برای توسعه اقتصاد
- حذف بارانه‌ها ۲۴۱؛ کاهش ارزش پول ملی ۲۴۲؛ کاهش تعرفه‌های گمرکی ۲۴۳

فهرست مطالب ۹

۲۴۴ نقد سیاست تعدیل ساختاری
۲۴۶ نفت و اقتصاد نفتی
۲۵۰ انرژی‌های تجدیدپذیر
۲۵۲ سیر نزولی رشد در ۲۰۱۹
۲۵۳ موانع توسعه اقتصادی در منطقه
	۱. عامل خارجی یا دیدگاه مرکز - پیرامونی ۲۵۴؛ ۲. سلطه دولت و فقدان خصوصی سازی ۲۵۴؛ ۳. کارویژه رانتی دولت ۲۵۷؛ ۴. فساد و عدم شفافیت ۲۵۸؛ ۵. کمبود سرمایه‌گذاری خارجی ۲۶۰؛ ۶. بی‌ثباتی، کشمکش منطقه‌ای و نظامی‌گری ۲۶۲
۲۶۷ فصل یازدهم: بحران آبی و زیست‌محیطی در خاورمیانه
۲۶۷ کمبود آب شیرین
	۱. فروکش کردن ذخایر آب‌های زیرزمینی ۲۷۳؛ ۲. آلودگی آب‌ها ۲۷۵؛ ۳. بحران آب شیرین در ایران ۲۷۵
۲۷۶ ریزگردها
۲۷۷ کشمکش بر سر آب در خاورمیانه
	۱. حوزه نیل ۲۷۸؛ ۲. حوزه رود اردن ۲۷۹؛ ۳. حوزه دجله و فرات ۲۸۲؛ ۴. حوزه هیرمند، ایران و افغانستان ۲۸۴
۲۸۴ چه باید کرد؟
	تبدیل آبیاری غرقابی به مکانیزه ۲۸۵؛ مدیریت بهینه آب در مصارف خانگی ۲۸۵؛ توافق‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ۲۸۵
۲۸۶ شیرین کردن آب
۲۸۹ فصل دوازدهم: مسئله زنان در خاورمیانه
۲۹۱ گونه‌بندی مسائل زنان در خاورمیانه
۲۹۴ آموزش
۲۹۸ اشتغال (بازار کار)
۳۰۳ خشونت علیه زنان
۳۰۸ بهار عربی و افزایش خشونت علیه زنان
۳۱۰ مشارکت سیاسی
	۱. برخورداری از حق رأی ۳۱۰؛ ۲. حضور در نهادهای قانونگذاری ۳۱۱؛ ۳. نقش زنان در هرم قدرت ۳۱۴
۳۱۵ فمینیسم و فمینیسم اسلامی

۱۰ سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال افریقا

- ۳۱۹ فصل سیزدهم: فرقه‌گرایی و سیاست‌های فرقه‌ای در خاورمیانه
- ۳۲۱ مکتب‌ها و فرقه‌های اسلام سنی
۱. حنفیه ۳۲۱؛ ۲. مالکیه ۳۲۲؛ ۳. شافعیه ۳۲۳؛ ۴. حنبلیه ۳۲۴؛ ۵. خوارج ۳۲۵؛ ۶. معتزله ۳۲۶؛ ۷. اشعریه ۳۲۷؛ ۸. ماتریدیه ۳۲۸؛ ۹. وهابیت ۳۲۹؛ ۱۰. احمدیه ۳۳۱
- ۳۳۲ مکتب‌ها و فرقه‌های اسلام شیعی
۱. اسماعیلیه ۳۳۴؛ ۲. قمرطیه ۳۳۷؛ ۳. نصیری (علویان) ۳۳۸؛ ۴. زیدیه ۳۳۹؛ ۵. دروزی‌ها ۳۴۱
- ۳۴۲ فرقه‌های اسلامی صوفی
- ۳۴۶ فرقه‌های مذهبی مسیحی در خاورمیانه
۱. رومن کاتولیک ۳۴۷؛ ۲. کاتولیک‌های مارونی ۳۴۷؛ ۳. کاتولیک‌های ملکی ۳۴۸؛ ۴. ارتدکس‌های یونانی ۳۴۸؛ ۵. ارتدکس‌های قبطی ۳۴۸؛ ۶. ارتدکس‌های سوری ۳۴۸؛ ۷. ارمنی‌های اوپوستولی ۳۴۸؛ ۸. کاتولیک‌های کلدانی ۳۴۹؛ ۹. اوانجلیست‌های مصری ۳۴۹
- ۳۵۰ فرقه‌گرایی در سیاست معاصر خاورمیانه
- ۳۵۳ فرقه‌گرایی در حوزه خلیج فارس
- ۳۵۷ کتابنامه

فهرست نمودارها و جدول‌ها

۴۶	تمدن‌های خاورمیانه باستان.....
۵۲	خاورمیانه: از ظهور اسلام تا سقوط عباسیان.....
۱۵۵	مهاجرت یهودیان به اسرائیل از ۱۹۴۸ تا ۲۰۰۶.....
۲۱۲	سطح مشارکت سیاسی در مناطق گوناگون جهان در سال ۲۰۱۸.....
۲۲۰	جایگاه شاخصه‌های دموکراسی در خاورمیانه و شمال افریقا در سال ۲۰۱۸.....
۲۲۲	نظرسنجی درباره دموکراسی در خاورمیانه ۲۰۱۲.....
۲۳۵	پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی برای خاورمیانه و شمال افریقا.....
۲۳۷	رشد سالانه تولید ناخالص داخلی خاورمیانه و شمال افریقا.....
۲۴۷	نمودار سهم خاورمیانه از ذخایر نفت و گاز جهان.....
۲۴۸	ده کشور نخست دارای منابع گاز و نفت شیل.....
۲۵۱	حمایت جهانی از انرژی‌های تجدیدپذیر.....
۲۵۳	پیش‌بینی رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در خاورمیانه و شمال افریقا.....
۲۵۵	فرایند خصوصی‌سازی در مناطق مختلف جهان.....
۲۵۹	شفافیت اقتصادی در خاورمیانه و شمال افریقا در سال ۲۰۱۸.....
۲۶۱	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خاورمیانه ۲۰۱۵-۲۰۰۵.....
۲۶۵	هزینه‌های نظامی در کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۷.....
۲۷۰	سراشته مصرف آب سالانه در مناطق جهان در سال ۲۰۱۸.....

۱۲ سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا) و شمال افریقا

- ۲۷۴.....سرانه منابع آب شیرین تجدیدپذیر در جهان در سال ۲۰۱۵.....
- ۲۸۷.....نسبت نه کشور نخست شیرین‌کننده آب در جهان در سال ۲۰۱۹.....
- ۲۹۸.....میزان حضور مردان و زنان خاورمیانه‌ای در دانشگاه تا سال ۲۰۱۲.....
- ۳۰۱.....میزان حضور زنان در بازارکار کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا.....
- ۳۰۸.....محدود ساختن زنان (میزان باور به کارهایی که مردان می‌توانند اما زنان نمی‌توانند انجام دهند).....
- ۳۱۱.....میزان حضور زنان در پارلمان در مناطق جهان.....
- ۳۱۲.....تاریخ دادن حق رأی به زنان در جهان، خاورمیانه و شمال افریقا.....
- ۳۲۳.....فرقه‌های اسلامی.....
- ۳۲۶.....جمعیت و محل زندگی فرقه‌های اهل سنت.....
- ۳۳۴.....تبارشناسی فرقه‌های شیعی.....
- ۳۳۷.....پراکنندگی جغرافیایی فرقه‌ها و مذاهب شیعه.....
- ۳۴۹.....فرقه‌ها و کلیساهای مسیحیت.....

فهرست نقشه‌ها

- ۴۳ شاهنشاهی ایران در حدود ۵۰۰ پ.م.....
- ۴۹ گسترش اسلام از ۶۲۲ تا ۹۰۰ (۲۷۹-۱ ه.ق).....
- ۵۵ امپراتوری عثمانی در اوج اقتدار خود در ۱۶۸۳ م.....
- ۷۲ قلمرو امپراتوری عثمانی در ۱۸۱۲ م.....
- ۷۲ قلمرو امپراتوری عثمانی در ۱۹۱۳ م.....
- ۷۵ تقسیم قلمرو عربی عثمانی بر اساس توافق سایکس - پیکو در ۱۹۱۶ م.....
- ۹۱ کشورهای کنونی خاورمیانه و شمال افریقا و سال استقلال آن‌ها.....
- ۱۱۵ کشور واحد عربی مورد نظر احزاب و گرایش‌های پان‌عربی.....
- ۱۲۱ نقشه سوریه بزرگ مورد نظر حزب ناسیونال سوسیالیست سوری.....
- ۱۴۶ مسیر مهاجرت عبرانی‌های باستان (یهودیان باستان) از بین‌النهرین به کنعان (فلسطین) و مصر.....
- ۱۴۸ پراکنده‌شدن یهودیان در آسیا و اروپا از سال ۷۰ تا ۵۰۰ میلادی.....
- ۱۵۴ دولت یهودی مورد نظر صهیونیسم تجدیدنظر طلب.....
- ۱۷۱ مرزهای دولت آرمانی پان‌ترکیسم در طرح روی جلد مجله گریگ خاکستری (بورکورت) در ۱۹۴۶ ۱۹۱۰-۱۹۱۱
- ۱۹۱-۱۹۰ گروه‌ها و احزاب عمده اسلام‌گرا در برخی کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا در سال ۲۰۱۷.....
- ۲۰۳ گروه‌های سلفی و شبکه‌های آن‌ها در جهان.....
- ۲۶۹ حوزه‌های عمده کشمکش آبی.....
- ۲۷۸ سه حوزه بحران آبی در خاورمیانه.....

مقدمه

کتاب پیش رو برای آشنایی با مسائل یکی از مهم‌ترین مناطق جهان امروز نوشته شده است که، در مقایسه با سایر مناطق، اهمیت تاریخی، سیاسی، تمدنی، فرهنگی و اقتصادی زیادی دارد. این کتاب حاصل سال‌ها تدریس و پژوهش من در درس سیاست و حکومت در خاورمیانه و دروس دیگر مربوط به این منطقه، در رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، تاریخ و مطالعات منطقه‌ای است. در این کتاب تلاش شده است تا شناختی نسبی از منطقه و ویژگی‌های تاریخی، تمدنی، و سیاسی - اقتصادی آن به دست داده شود؛ مثلاً این‌که این منطقه در راه تبدیل شدن به شکل کنونی‌اش چه سیر تحولی را طی کرده، در حال حاضر چه موقعیتی دارد و کشورهای تشکیل‌دهنده آن و مردمان ساکن در آن با چه مشکلاتی دست‌به‌گریبان‌اند.

آگاهی از مسائل پیچیده خاورمیانه امروز بدون شناخت ویژگی‌های تاریخی، تمدنی، مذهبی، بین‌المللی، سیاسی و اقتصادی آن امکان‌پذیر نیست، چون هر یک از این ویژگی‌ها پیوندهای پیچیده‌ای با یکدیگر داشته و ضمن متأثر بودن از هم بر تحولات درونی و برونی منطقه نیز تأثیرگذار بوده‌اند. خاورمیانه خاستگاه اصلی تمدن، مذهب و دولت در تاریخ بشر بوده است و مهم‌ترین تمدن‌های بشری و بزرگ‌ترین ادیان آسمانی از این ناحیه برخاسته‌اند. در دو قرن اخیر نیز، به لحاظ اهمیت بین‌المللی، سیاسی و اقتصادی، به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است.

هدف اصلی این کتاب شناخت مسائل امروز خاورمیانه و تبیین علل و عوامل ظهور و تحول آن‌هاست، اما از آن‌جاکه این شناخت به‌تنهایی با تکیه بر مسائل و ویژگی‌های امروزی امکان‌پذیر نمی‌شود، نیاز به آگاهی از گذشته منطقه، هرچند کوتاه، امری حتمی و ضروری می‌نماید. به همین دلیل کتاب را بر محور سه بخش اساسی سازماندهی کرده‌ایم که هر یک به شناخت بخش‌های دیگر کمک می‌کند. چون نبود آگاهی از دگرگونی‌های تاریخی خاورمیانه، به‌ویژه تاریخ چند قرن اخیر آن، باعث بسیاری از کج‌فهمی‌ها درباره مسائل منطقه شده و درک بسیاری از رویدادها و ظهور گرایش‌های سیاسی - ایدئولوژیک آن را دشوار کرده است، بخش نخست این کتاب را به بنیادهای تاریخی منطقه اختصاص داده‌ایم. در این بخش که خود دربرگیرنده

چهار فصل است، نخست به چگونگی پیدایش مفهوم خاورمیانه در آغاز قرن بیستم و کاربرد تدریجی آن در عرصه جهانی و دیدگاه‌های گوناگون درباره چستی و کجایی آن پرداخته‌ایم. در فصل‌های بعد به اهمیت تمدنی و مذهبی منطقه، پیدایش تمدن‌ها و دولت‌های بزرگ تاریخ، اندرکنش‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر، از آغاز تا ظهور اسلام، پرداخته‌ایم. برآمدن دولت اسلامی، گسترش قلمرو آن در شرق و غرب منطقه در زمان خلافت عرب و سپس حمله مغول بخش دیگری از مباحث بخش نخست کتاب است. در آخرین فصل این بخش، مباحثی را درباره برآمدن امپراتوری یا خلافت عثمانی، اوج‌گیری قدرت و زوال آن و، سرانجام، شکل‌گیری خاورمیانه کنونی پس از جنگ جهانی اول و تبدیل امپراتوری عثمانی به بیست‌ودو کشور عرب و یک کشور ترک بررسی کرده‌ایم.

در کنار پرداختن به مباحث تاریخی، به این نکته هم باید اشاره کرد که فهم و تحلیل مسائل خاورمیانه کنونی، بدون توجه به نقش محوری گرایش‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی فعال در دوران معاصر، امکان‌پذیر نیست. از این رو، مطالب بخش دوم کتاب بر محور بحث درباره این گرایش‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی سازماندهی شده است. از میان گرایش‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی قرن بیستم، ناسیونالیسم و گرایش‌های ملی‌گرایانه بیش از همه بر تحولات پیش و پس از سقوط عثمانی، در سال‌های پس از جنگ اول و دوم، تأثیر گذاشته است. ناسیونالیسم بود که در اواخر قرن نوزدهم میلادی بنیاد تحولات بعدی، به‌ویژه جدایی ترک‌ها از عرب‌ها، را در امپراتوری عثمانی گذاشت و زمینه‌ساز فروپاشی آن شد. در میان گرایش‌های ناسیونالیستی در منطقه، سه جریان ناسیونالیسم عرب - پان‌عربیسم، ناسیونالیسم ترک - پان‌ترکیسم و ناسیونالیسم یهود یا صهیونیسم بیشترین نقش را در دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی منطقه داشته‌اند. در کنار گرایش‌های ناسیونالیستی، جریان اسلام‌خواهی یا اسلام سیاسی نیز نقش مهمی در این دگرگونی‌ها داشته است و امروز، در پایان دهه دوم قرن بیستم و یکم، همچنان عمده‌ترین جریان سیاسی منطقه به شمار می‌آید.

به سبب همین اهمیت، بخش دوم کتاب به چهار فصل اساسی تقسیم و در هر یک از آن‌ها گرایش‌های ناسیونالیستی اعراب، ساکنان ترکیه و یهودیان و موضوع اسلام‌گرایی مطرح و بررسی شده است. در فصول چهارگانه این بخش، علاوه بر بحث درباره زمینه‌های رشد هر یک از گرایش‌های ناسیونالیستی سه‌گانه و اسلام سیاسی، مراحل رشد و تحول این گرایش‌ها، انواع آن‌ها و، درنهایت، موقعیت کنونی‌شان مورد بحث قرار گرفته است.

پراکندگی نوشته‌های دهه‌های اخیر درباره این جریانات، به‌ویژه گرایش‌های ناسیونالیستی، و قدیمی بودن منابع موجود فارسی در این باره، نگارنده را بر آن داشت تا در حد امکان تصویر نسبتاً جامعی از سیر تحول این گرایش‌ها، گونه‌بندی‌ها و به‌ویژه وضعیت کنونی آن‌ها در منطقه، در فصل‌های پنجم، ششم و هفتم این بخش به دست بدهد. نوشته‌های پراکنده درباره اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام نیز اقتضا می‌کرد که در فصل هشتم، ضمن شرح سیر تحول این جریان از اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، به‌ویژه پس از دهه ۱۹۳۰، به موازات بررسی طیف‌های اعتدالی، رادیکال و سلفی، به گرایش‌های گوناگون اسلام سیاسی و همچنین به

دلایل برآمدن اسلام‌گرایی سلفی افراطی در پایان قرن بیستم و چگونگی شکل‌گیری سازمان القاعده و بعدها داعش نیز پیردازیم و در نهایت آینده اسلام سیاسی را، پس از نابودی نسبی داعش و پایگاه‌های آن در عراق و سوریه و مناطق دیگر، بررسی کنیم.

سرانجام، بخش سوم کتاب را به بررسی عمده‌ترین مسائل و مشکلات کنونی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اختصاص داده‌ایم. این مسائل در سراسر منطقه درزمره مهم‌ترین موضوعات قابل‌بحث در دهه‌های اخیر بوده و در منابع فارسی مربوط به خاورمیانه کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. در فصول نهم تا سیزدهم این بخش، پنج موضوع مهم، یعنی دموکراسی و جامعه مدنی، توسعه اقتصادی، بحران آب و بحران‌های زیست‌محیطی، مسئله زنان و سرانجام موضوع فرقه‌گرایی و تأثیر آن بر تحولات درونی، منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، در قالب فصولی با همین عناوین، مطرح و بررسی شده است.

درواقع توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی از دیرپاترین موضوعات منطقه بوده و به‌رغم تلاش‌های دولت‌ها و نیروهای اجتماعی در قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم، بخش بزرگ منطقه تحول چشمگیری از نظر استقرار و استحکام دموکراسی و توسعه اقتصادی به خود ندیده است. درواقع توسعه سیاسی یا تداوم اقتدارگرایی و دیکتاتوری از یک‌سو و عقب‌ماندگی اقتصادی و تداوم اقتصاد دولتی، که علل و عوامل آن‌ها در فصول نهم و دهم بخش سوم بررسی شده، از ویژگی‌های عمده منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است. مشکل آب و مسائل زیست‌محیطی که از حادث‌ترین بحران‌های منطقه به شمار می‌آید، موضوع بحث فصل یازدهم کتاب است. بحران آب که از چندین دهه پیش به محور کشمکش‌های نوین میان کشورهای اطراف حوزه‌های آبی عمده منطقه، یعنی حوزه رود نیل، حوزه رود اردن و حوزه رودهای دجله و فرات، تبدیل شده بود، در قرن بیست‌ویکم ابعاد تازه‌ای به خود گرفته که کمبود آب شیرین و کاهش شدید ذخایر آب‌های زیرزمینی از جمله آن‌هاست. در فصل یازدهم نویسنده، ضمن پرداختن به این موضوع، بحران‌های زیست‌محیطی را بررسی کرده که در دو دهه اخیر در کنار بحران آب به چالش‌برانگیزترین مشکل منطقه تبدیل شده است. افزایش فزاینده آلودگی هوا در شهرهای خاورمیانه و مشکلات دیگری چون طوفان‌های گردوغبار و ریزگردها که سراسر منطقه از شمال آفریقا تا خلیج فارس را در بر گرفته، بخش دیگری از مباحث این فصل است.

مشکلات فراروی زنان خاورمیانه، یعنی نیمی از جمعیت منطقه که نشانه‌های آن در تمامی جوامع آن به چشم می‌خورد، موضوع فصل دوازدهم کتاب است. زنان خاورمیانه، از آغاز شکل‌گیری کشورهای منطقه، جنبشی را شروع کردند که برابری و برخورداری از حق آموزش، مشارکت، اشتغال، رفع تبعیض‌های گوناگون و پایان دادن به جلوه‌های مستقیم و غیرمستقیم خشونت علیه زن، عمده‌ترین هدف آن بوده است. با وجود برخی پیشرفت‌های حاصل در زمینه احقاق حقوق زنان، خاورمیانه، در مقایسه با بسیاری از مناطق دیگر، به دلیل سلطه فرهنگ اقتدارگرایانه و مردسالارانه، در رتبه‌های پایین‌تری قرار گرفته است. تلاش شده است تا در این فصل با بهره‌گیری از تازه‌ترین داده‌ها و آمارهای مربوط به ابعاد گوناگون مشکلات زنان، از وضعیت کنونی این قشر مهم از جمعیت منطقه تصویر روشن‌تری به دست داده شود.

در فصل پایانی کتاب، یعنی فصل سیزدهم، به موضوع فرقه‌گرایی می‌پردازیم، یعنی موضوعی که در گذشته پژوهشگران مسائل منطقه کمتر به آن پرداخته‌اند. فرقه‌گرایی که بیش از همه در عرصهٔ مذهب جلوه‌گر می‌شود، در دهه‌های اخیر در تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه نمود بیشتری یافته است. رویدادهایی چون جنگ‌های داخلی در لبنان در دههٔ ۱۹۷۰ و دههٔ ۱۹۸۰، گسترش کشمکش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای میان کشورهای قدرتمند منطقه چون ایران و عربستان سعودی در قرن بیست و یکم و نیز به صحنه آمدن جلوه‌های نوین خشونت اسلام‌گرایانهٔ سلفی همه در شکاف‌های درون مکتب‌های مذهبی گوناگون اسلامی و مسیحی ریشه داشته است. در این فصل ضمن شرح و توصیف عمده‌ترین فرق درون مسیحیت و اسلام و ریشه‌های شکل‌گیری این فرقه‌ها، نقش فرقه‌گرایی در سیاست‌های داخلی و خارجی منطقه و نیز سیاست دولت‌های عرب و غیرعرب در برابر فرقه‌های گوناگون، با ذکر نمونه‌هایی از تأثیر آن‌ها بر سیاست داخلی و بین‌المللی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای آسان‌تر کردن فهم مسائل خاورمیانه، تا آن‌جا که امکان دارد در تمامی فصل‌های کتاب از نقشه، جدول، نمودار و ارقام و آمار مربوط به مباحث گوناگون بهره گرفته شده است. از آن‌جا که احتمال می‌رفت فهم برخی عبارات به‌کاررفته در نقشه‌ها، نمودارها و جدول‌ها دشوار بنماید، نگارنده تلاش کرده است تا بیشتر آن‌ها را به زبان فارسی برگرداند و بازسازی کند.

کتاب، در عین پرداختن به تحولات تاریخی که لازمهٔ درک وضعیت کنونی منطقه است، بیشتر پژوهشی دربارهٔ مسائل جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه است. این نکته به‌ویژه در بخش سوم نمود پیدا کرده است. گرچه در بخش‌های اول و دوم، یعنی تحولات تاریخی و تحلیل جریان‌های سیاسی - ایدئولوژیک فعال در منطقه، تاحدی به موضوعات مربوط به روابط خارجی، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، اشاره شده، اما از طرح تحولات بین‌المللی خاورمیانه همچون سیاست قدرت‌های بزرگ و سیاست خارجی و منطقه‌ای بازیگران عمدهٔ منطقه پرهیز شده است. نگارنده امیدوار است بعد بین‌المللی مسائل خاورمیانه را در آینده در کتاب مستقل دیگری به دانشجویان و دانش‌پژوهان علاقه‌مند تقدیم کند.

حمید احمدی

مرداد ۱۴۰۰

بخش اول

تاریخ، تمدن و مذهب در خاورمیانه

فصل اول

خاورمیانه چیست و کجاست؟

درباره اصطلاح «خاورمیانه» و محدوده جغرافیایی آن اتفاق نظر وجود ندارد. از یک طرف برخی به کاربرد این اصطلاح اعتراض دارند و آن را واژه‌ای ساختگی می‌دانند که حاصل خواست‌ها و اهداف قدرت‌های خارجی است و از طرف دیگر محققان حوزه خاورمیانه، چه غربی و چه بومی، رهیافت‌های گوناگون برای تعریف مرزهای خاورمیانه دارند. محققان عرب، به‌ویژه، به مفهوم خاورمیانه به دیده تردید می‌نگرند و آن را مفهومی مبهم و غیرشفاف می‌دانند.^۱ واقعیت این است که این اصطلاح را قبل از این‌که ساکنان منطقه به کار ببرند، قدرت‌های خارجی به کار می‌بردند و از آنجاکه خاورمیانه مفهومی استراتژیک بود و منابع امریکایی آن را متداول کرده بودند، برخی حتی درباره درستی آن نیز تردید دارند.^۲ سابقه این اصطلاح به اوایل قرن بیستم می‌رسد، اما پس از جنگ جهانی دوم بود که محققان و سیاستمداران غرب استفاده از آن را رواج دادند. به‌علاوه، بیشتر محققان عرب تمایلی به کاربرد این اصطلاح ندارند و ترجیح می‌دهند از مفاهیم دیگری استفاده کنند که بر ویژگی عربی منطقه تأکید داشته باشد. برخی از این محققان اصطلاح خاورمیانه را محصول استعمار و امپریالیسم غرب قلمداد می‌کنند و، ضمن مخالفت با کاربرد آن، تعبیر نظام فرعی منطقه‌ای عربی^۳ را پیشنهاد می‌کنند که کنش‌های متقابل و روابط منطقه‌ای را بهتر و صحیح‌تر بیان می‌کند.^۴

1. Fawaz A. Gerges, "The Study of Middle East in International Relations: a Critique", *British Journal of Middle Eastern Studies* (1992).

۲. برای نمونه، ر.ک.:

Abbas Amanat, "Is There a Middle East? Problematizing a Virtual Space", in Michael Bonine, Abbas Amanat, Michael Gasper, *Is There a Middle East?: The Evolution of a Geopolitical Concept* (California: Stanford University Press, 2012), pp. 1-11.

3. Arab regional sub-system

۴. همان‌گونه که در صفحات بعد اشاره خواهد شد، بسیاری از خاورمیانه‌شناسان در دهه‌های اخیر متمایل به کاربرد اصطلاح سیستم فرعی منطقه‌ای بوده‌اند.

اصولاً نام‌گذاری خاورمیانه به اقتضای منافع استراتژیک قدرت‌های غربی مطرح شده و از نظر بسیاری از محققان حوزه خاورمیانه در نام‌گذاری آن نوعی دیدگاه اروپامحور نهفته است که ریشه در سیاست‌های استعماری اروپاییان دارد.^۱ نکته مهم‌تر این‌که اصطلاحات «خاورمیانه»، «خاور نزدیک»^۲ یا «خاور دور»^۳ که در زبان‌های اروپایی مورد استفاده قرار گرفته، فقط از دیدگاه خود اروپایی‌ها قابل فهم است. به عبارت دیگر، دوری یا نزدیکی یا میانه‌بودن خاور، با توجه به فاصله آن از اروپا، مطرح است و این اصطلاحات گرچه امروزه اصطلاحاتی پرکاربردند، با اندکی دقت می‌توان به تناقضات آشکار کاربرد آن‌ها پی برد. در واقع از جنبه جغرافیایی، ما هنگامی می‌توانیم از این اصطلاحات استفاده کنیم که ساکن اروپا باشیم، نه هنگامی که در ایران یا هندوستان یا چین هستیم. هنگامی که مسافری از لندن، فرانکفورت یا حتی از پاریس به سمت شرق پرواز می‌کند، می‌تواند بگوید به خاور نزدیک، خاورمیانه یا خاور دور می‌رود؛ اما اگر همین مسافر از توکیو یا پکن به سوی ایران یا عربستان سعودی حرکت کند، نه به سمت خاورمیانه، بلکه به سمت باختر در پرواز است. اما هم مسافری که از لندن عازم کویت است و هم مسافری که از پکن به این کشور سفر می‌کند، هر دو مدعی‌اند که به سوی خاورمیانه می‌روند. بسام طیبی، محقق برجسته علوم سیاسی عرب، ضمن اشاره به ریشه‌های استعماری این اصطلاحات و تناقضات موجود در کاربرد آن‌ها می‌گوید: «ابردرت‌های امروزی نظیر امریکا و تاحدی شوروی سابق، علی‌رغم این‌که این اصطلاح، به لحاظ مکان جغرافیایی آن، مناسب نیست آن را مسلم فرض می‌کنند و به کار می‌برند.»^۴

پیدایش اصطلاح خاورمیانه

نکته مهم این است که اصطلاح خاورمیانه از اوایل قرن بیستم رایج شد. در ابتدا تمامی قاره آسیا، در قاموس امپراتوری بریتانیا، «شرق» شناخته و هم شرق دور و هم امپراتوری عثمانی را شامل می‌شد. بعدها به منظور ایجاد تمایز میان این دو منطقه، بریتانیایی‌ها از اصطلاحات خاور نزدیک و خاور دور استفاده کردند. اصطلاح خاور نزدیک، در واقع، به امپراتوری عثمانی اشاره می‌کرد که در اواخر قرن نوزدهم در مطبوعات اروپا و کتاب‌های سیاسی به مرد بیمار اروپا^۵ یا مرد بیمار بسفر^۶ معروف شده بود. در

۱. برای مثال، ر.ک.: جمیل مطرو و علی‌الدین هلال، النظام الاقلمی العربی: دراسة فی العلاقات السیاسیة العربیة (بیروت، ۱۹۸۳) ص ۲۵ و ۳۰.

2. The Near East

3. The Far East

4. Bassam Tibi, *Conflict and War in the Middle East: Regional Dynamic and the Superpowers*, (New York: St. Martin's Press, 1994) p. 43.

5. the sick man of the Europe

6. the sick man on the Bosphorus

حال حاضر، اصطلاحات خاور نزدیک و خاورمیانه به معنی واحدی به کار برده می‌شوند. در مورد برخی کشورها، حتی ترکیب خاور نزدیک متداول‌تر از خاورمیانه است. مثلاً در آلمانی ترکیب *Näher Osten* به معنی خاور نزدیک است که به منطقه کنونی خاورمیانه اشاره دارد. اما در انگلیسی، همین منطقه به خاورمیانه معروف شده است.

همان‌گونه که اشاره کردیم، شرق یا قاره آسیا به دو منطقه خاور نزدیک و خاور دور تقسیم می‌شود. در سپتامبر سال ۱۹۰۲، آلفرد ماهان، نظریه‌پرداز معروف نیروی دریایی آمریکا، در مقاله‌ای در نشریه بررسی ملی بریتانیا^۱ اصطلاح خاورمیانه را برای اولین بار معرفی کرد. چون این اصطلاح، به نوعی، با تحول مفهوم استراتژیک راه دریایی کانال سوئز به سنگاپور مربوط می‌شد، می‌توان حدس زد که توجه ماهان بر تمدن هندوستان و خلیج فارس متمرکز بود. بخش‌هایی از مقاله ماهان بعدها در روزنامه تایمز^۲ منتشر شد و پس از آن والتین چیرول^۳، خبرنگار روزنامه تایمز، این اصطلاح را به‌عاریه گرفت و سلسله‌مقاله‌ای تحت‌عنوان «مسئله خاورمیانه»^۴ از ۱۴ اکتبر ۱۹۰۲ در آن روزنامه نوشت.^۵ از آن به بعد اصطلاح خاورمیانه در حکم مفهومی جدید برای نامیدن منطقه‌ای رایج شد که مرکز آن هندوستان بود. بدین ترتیب ربط این اصطلاح با سیاست امپراتوری‌های قدرتمند مسلم است. داویسون درباره تحول تاریخی این اصطلاحات به این ارتباط اشاره می‌کند و می‌گوید تاریخ تحول اصطلاح خاورمیانه، از ابتدا تا کنون، حاکی از آن است که منافع سیاسی و استراتژیک قدرت‌های خارجی همیشه عنصر اساسی دخیل در تعریف آن بوده است.^۶

جالب اینجاست که هم‌زمان با تغییر منافع استراتژیک قدرت‌های اروپایی، به‌ویژه انگلستان، آنچه منطقه اصلی خاورمیانه به‌شمار می‌رفته متفاوت بوده است. به‌عبارت‌دیگر، در هر دوره‌ای همواره یک منطقه اصلی در جهت منافع قدرت‌های غرب، به‌ویژه انگلستان و بعدها آمریکا، در حکم کانون خاورمیانه مطرح بوده و همین منطقه قلب خاورمیانه را تشکیل می‌داده است. مثلاً، کانون عمده خاورمیانه، در آغاز قرن بیستم، هندوستان بود. اما این مرکزیت پس از جنگ جهانی اول تغییر کرد. در حالی‌که تا آن زمان همه راه‌های منتهی به هندوستان در قلمرو خاورمیانه دانسته می‌شد، بعد از جنگ جهانی اول حدود و ثغور خاورمیانه از نظر انگلستان تغییر یافت. وینستون چرچیل، وزیر مستعمرات وقت انگلستان، با

1. British National Review

2. The Times

3. Valentine Chirol

4. The Middle Eastern Question

۵. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: Tibi, *Conflict and War in the Middle East* pp. 43- 44

6. Roderic H. Davison, "Where is the Middle East"? In Richard Nolte, ed, *The Modern Middle East* (New York: Prentice Hall, 1963), p. 27.

حمایت انجمن جغرافیایی سلطنتی،^۱ با توجه به تحولات جدید، این اصطلاحات را مجدداً تعریف کرد تا کشورهای میان تنگه‌های بسفر و مرزهای هندوستان را نیز در بر گیرد. در این تعریف جدید، کانون اصلی خاورمیانه از هندوستان به ساحل شرقی مدیترانه منتقل شد، ولی درعین حال هند نیز در محدوده منطقه قرار داشت.^۲

با آغاز جنگ جهانی دوم تعریف کاملاً جدیدی برای خاورمیانه ضروری می‌نمود. گرچه انگلستان بر اثر جنگ کاملاً ضعیف شده بود، هنوز مستعمرات خود را در اختیار داشت و بنابراین از نظر موقعیت و مقام هنوز قدرتی بزرگ محسوب می‌شد. با این همه، تعریف جدیدی از خاورمیانه لازم بود تا کانون منطقه به نقطه‌ای منتقل شود که بیشترین اهمیت استراتژیک را برای انگلستان داشت. داویسون این اوضاع بعد از ۱۹۴۵ را به خوبی توصیف کرده است:

خاورمیانه جنگ جهانی دوم، همانند خاورمیانه ماهان - چیرول در چهل سال قبل از این، مفهومی استراتژیک بود و به اقتضای منافع بریتانیا از خارج از منطقه تحمیل شد. مرکز [این خاورمیانه] از هند به قاهره منتقل شده بود، اما منطق این کار شبیه به همان منطق سابق بود. مانند مفهوم مورد نظر ماهان حاشیه‌های این اصطلاح نامعلوم و مرزهای آن نامحدود بود.^۳

بسام طیبی در این باره می‌گوید نامعلوم بودن مرزهای منطقه به سبب وجود تناقض در خود اصطلاح خاورمیانه نبود، بلکه چنین اقدامی برای فرمول‌بندی‌های جدید، که با اوضاع استراتژیک جدید متناسب باشد، لازم می‌نمود. از دهه ۱۹۵۰، بریتانیای کبیر دیگر قدرتی بزرگ محسوب نمی‌شد و پاکستان امریکانا^۴ جای پاکستان بریتانیکا^۵ را در خاورمیانه گرفته بود.^۶ بدین ترتیب تعریف اصطلاح خاورمیانه که بر اساس سیاست‌های مقتدرانه تنظیم می‌شد برای تطبیق با منافع ایالات متحد آمریکا اصلاح شد. با این همه، اتلی^۷ جانشین چرچیل نخست‌وزیر انگلستان بود که زمینه را برای تعریفی جدید فراهم ساخت. از آن زمان، اصطلاح خاورمیانه شامل کشورهای عرب و برخی کشورهای مجاور آن‌ها می‌شد. این تعریف را امریکایی‌ها انتخاب کردند و از زمان دولت آیزنهاور تعریف مورد قبول این قدرت قلمداد شد.^۸

مسلم این است که امروزه میان دانشجویان و محققان مطالعات خاورمیانه، درباره مرزها و محدوده‌های منطقه‌ای که این اصطلاح به آن اطلاق می‌شود، توافق چندانی وجود ندارد. گرچه بسیاری از این محققان این اصطلاح را به کار می‌برند، قبول دارند که مرزها و محدوده‌های آن مبهم و غیرشفاف است. ج. پیرسی در این باره می‌گوید: «به‌رغم استفاده گسترده دانشجویان، محققان، نشریات ادواری

1. The Royal Geographic Society

2. Tibi, *op. cit.* p. 45

3. Davison, *op. cit.* p. 29.

4. Pax Americana

5. Pax Britannica

6. Tibi, *op. cit.* p. 48.

7. Attlee

8. Davison, *op. cit.* p. 28.

و روزنامه‌ها از این اصطلاح، هیچ مرز و محدوده استناداری وجود ندارد که بتوان براساس آن منطقه خاورمیانه را از نظر جغرافیایی شناسایی کرد.^۱

خاورمیانه کجاست: هفت دیدگاه

با توجه به سیر تکاملی اصطلاح خاورمیانه در آغاز قرن بیستم و دوران جنگ سرد و پس از آن، می‌توان گفت هنوز برسر این‌که مرزهای خاورمیانه از کجا آغاز و به کجا ختم می‌شود اتفاق نظر وجود ندارد. به‌طور کلی، امروزه هفت دیدگاه گوناگون درباره مرزهای خاورمیانه و قلمرو آن میان پژوهشگران و سیاستمداران دیده می‌شود.

۱. خاورمیانه به عنوان جهان عرب

بسیاری از پژوهشگران و سیاستمداران ناسیونالیست عرب بر آن‌اند که اصطلاح خاورمیانه تعبیری جعلی و استعماری است و خاورمیانه در واقع جایی جز سرزمین‌های عربی نیست. براین اساس آن‌ها بر آن‌اند که باید به‌جای خاورمیانه از ترکیب جهان عرب (العالم العربی) استفاده کرد، چراکه بخش عمده خاورمیانه از کشورهای عربی تشکیل شده است. البته باید تأکید کرد که امروزه ترکیب جهان عرب در زبان‌های گوناگون جهان، به‌ویژه انگلیسی، فرانسه و عربی، به‌خوبی جا افتاده و عنوان صدها کتاب و هزاران مقاله قرار گرفته است. با این‌همه، کاربرد این ترکیب را نباید به این معنی دانست که همه کاربران آن با ناسیونالیست‌های عرب هم‌عقیده‌اند. آن‌ها برای اشاره به سرزمین‌های عربی، علاوه بر اصطلاح خاورمیانه، از ترکیب جهان عرب نیز استفاده می‌کنند. این دیدگاه، یعنی محدود کردن خاورمیانه به جهان عرب، به‌جز ناسیونالیست‌های پان‌عرب، طرفدار بسیار کمی در جهان دارد.

۲. خاورمیانه به معنی سرزمین‌های امپراتوری عثمانی

در دومین دیدگاه مرزهای جغرافیایی خاورمیانه به امپراتوری سابق عثمانی محدود شده است و سراسر سرزمین‌های قلمرو عثمانی خاورمیانه کنونی به حساب می‌آید. براساس این تعریف مرزهای خاورمیانه از شمال غرب آفریقا شروع می‌شود و تا مرزهای ایران و شبه‌جزیره عربستان ادامه می‌یابد، در نتیجه کشورهای ترکیه و اسرائیل نیز در قلمرو خاورمیانه قرار می‌گیرند. کارل براون، خاورمیانه‌شناس امریکایی، که یکی از طرفداران این دیدگاه بود توضیح داده است که منظور از خاورمیانه کنونی همان سرزمین‌های

1. G. Etzel Percy, "The Middle East: An Indefinable Region", *Near and Middle Eastern Series*, vol. 72 (Washington: Volume 6784 of Department of State Publication, United States Department of State, U.S. Government Printing Office, 1964) pp. 407-416.

امپراتوری عثمانی است.^۱ با این همه، این دیدگاه نیز هواخواه زیادی در میان خاورمیانه‌شناسان ندارد. به عبارت دیگر، اکثر خاورمیانه‌شناسان و سیاستمداران و سازمان‌های بین‌المللی امپراتوری عثمانی را جزو خاورمیانه می‌دانند، اما خاورمیانه را به امپراتوری مذکور محدود نمی‌کنند.

۳. دیدگاه اکثریت: خاورمیانه یعنی کشورهای عربی، ترکیه و ایران

سومین دیدگاه مربوط به مرزهای خاورمیانه این منطقه جغرافیایی را شامل امپراتوری سابق عثمانی و تمامی ایران می‌داند. به عبارت دیگر، مرزهای خاورمیانه از شرق ایران شروع می‌شود، شبه‌جزیره عربستان را نیز در برمی‌گیرد و تا شمال غرب افریقا ادامه پیدا می‌کند. این دیدگاه، رایج‌ترین دیدگاه در جهان درباره مرزها و محدوده‌های خاورمیانه است و می‌توان گفت اکثر کسانی که به خاورمیانه اشاره می‌کنند، این منطقه را در نظر دارند. در بیشتر کتاب‌های مربوط به خاورمیانه، علاوه بر جهان عرب، ترکیه و ایران نیز جزو سرزمین‌های خاورمیانه قرار می‌گیرد. این منطقه در اکثر نقشه‌های خاورمیانه نیز با همین ترکیب دیده می‌شود.

۴. خاورمیانه و شمال افریقا

دیدگاه چهارم همان محدوده‌های خاورمیانه را می‌پذیرد که در دیدگاه سوم ذکر شد، اما نوعی تقسیم‌بندی هویتی در این ناحیه در نظر می‌گیرد و ترکیب شمال افریقا را در کنار خاورمیانه به کار می‌برد. گرچه برخی نویسندگان و صاحب‌نظران، همچون هلد و کامینگز، فقط مصر را در زمره سرزمین‌های خاورمیانه‌ای شمال افریقا قبول دارند،^۲ اکثر پژوهشگران همه کشورهای عربی شمال افریقا، از مصر تا موریتانی در ساحل اقیانوس اطلس، را در این منطقه جای می‌دهند. به عبارت دیگر، این دیدگاه بر آن است که منطقه شمال افریقا، با این‌که بخشی از کشورهای عرب و بنابراین خاورمیانه، است، به قاره افریقا نیز تعلق دارد و بنابراین بهتر است از واژه شمال افریقا، در اشاره به این منطقه، استفاده کرد. برخی کشورهای عربی منطقه نیز برای خود هویت دوگانه عربی و افریقایی قائل‌اند. مثلاً، جمال عبدالناصر، رهبر پیشین مصر، در کتاب فلسفه انقلاب مصر بر آن است که مصری‌ها دارای سه هویت عربی و افریقایی و اسلامی‌اند.^۳ در قرن بیست‌ویکم نیز سرهنگ قذافی، رهبر لیبی، با لحن تندتری، اعلام کرد لیبی بیشتر بخشی از افریقا است تا جهان عرب. وی اعلام کرد که از این به بعد، به جای توجه به جهان عرب، به سوی قاره افریقا و کمک به کشورهای افریقایی گرایش پیدا می‌کند. ناامیدی قذافی از تلاش‌های خود برای وحدت جهان

1. L. Carl Brown, *International Politics and the Middle East: old Rules, Dangerous Games* (New Jersey: Princeton University Press, 1984), p. 7.

2. Colbert C. Held and John Thomas Cummings, *Middle East Patterns: Places, People, and Politics* (Boulder: Westview, 2014), pp. 8-10.

۳. جمال عبدالناصر، فلسفه انقلاب مصر، ترجمه مهدی سمسار (تهران: موج، ۱۳۵۰).

عرب^۱ البته به سبب بی‌توجهی سایر کشورهای عربی به اقدامات و دیدگاه‌های تند او بود و در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ در سیاست‌های گوناگون بازتاب یافته بود. کشورهای عرب وی را شخصیتی بی‌ثبات و غیرقابل اعتماد می‌شناختند. ترکیب خاورمیانه و شمال آفریقا اصطلاحی جاافتاده محسوب می‌شود که عنوان ده‌ها کتاب و صدها مقاله قرار گرفته است. مؤسسه انتشاراتی معروفی در اروپا، هر سال کتاب دایرةالمعارف‌گونه‌ای با عنوان خاورمیانه و شمال آفریقا^۲ منتشر می‌کند که در آن افغانستان نیز در زمره کشورهای خاورمیانه به حساب آمده است.

۵. خاورمیانه جدید^۳

در دوران پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دیدگاه نوینی در مورد محدوده مرزهای خاورمیانه پیدا شده است. در این دیدگاه از دو تعبیر خاورمیانه جدید و خاورمیانه بزرگ صحبت شده است که یکی را سیاستمداران اسرائیلی - امریکایی و دومی را منحصرأ دولتمردان امریکا مطرح کرده‌اند و همین امر موجب شده بحث‌های تازه‌ای درباره مرزها و محدوده‌های خاورمیانه به راه افتد. شیمون پرز، وزیر خارجه اسرائیل، در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰، کتاب خود را به نام خاورمیانه جدید نوشت و منتشر کرد.^۴ بعدها اصطلاح خاورمیانه جدید را مطبوعات اسرائیلی و امریکایی به کار بردند. این اصطلاح هم دارای بار گمی بود و هم کیفی. از لحاظ کمی، خاورمیانه جدید به گسترش مرزهای خاورمیانه، که در دیدگاه سوم ذکر شده است، به سمت کشورهای تازه تأسیس آسیای میانه و قفقاز اشاره داشت؛ زیرا به لحاظ تاریخی، فرهنگی و تمدنی این مناطق ادامه خاورمیانه است. از لحاظ کیفی، اصطلاح خاورمیانه جدید به وضع جدیدی اشاره می‌کرد که در آن صلح جانشین جنگ، توسعه جانشین عقب‌ماندگی و دموکراسی جانشین اقتدارگرایی می‌شد. برخی مطبوعات و پژوهشگران خاورمیانه‌ای، به ویژه عرب، طرح چنین تعبیری را توطئه قلمداد می‌کردند^۵ و بر آن بودند که امریکا و اسرائیل با پیشنهاد این اصطلاح و گسترش مرزهای خاورمیانه به آسیای میانه و قفقاز می‌خواهند دامنه نفوذ و مداخله خود را به این مناطق بکشانند. از آن‌جا که خاورمیانه منطقه حیاتی منافع ملی و امنیتی امریکا و اسرائیل است، و آن‌ها بر این

۱. برای آشنایی بیشتر با تلاش‌های قذافی به منظور وحدت کشورهای عربی ر.ک.: حمید احمدی، «وحدت اعراب: سراب یا واقعیت: بررسی تلاش‌های وحدت‌گرایانه اعراب پس از جنگ جهانی دوم»، سروش، شماره‌های ۵۴، ۵۵ و ۵۶ (خرداد و تیر ۱۳۵۹).

2. *The Middle East and North Africa 2015* (London: Taylor & Francis, 2015).

3. *The new Middle East*

۴. شیمون پرز، خاورمیانه جدید، ترجمه عربی محمد حلمی عبدالحافظ، ترجمه فارسی عدنان قارونی (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی آسیا، ۱۳۷۶).

5. Daoud Kuttab, "The New Middle East by Shimon Peres", *Palestine-Israeli Journal of Politics, Economics and Culture*, vol. 1, no. 2 (1994).

اساس حق مداخله و نفوذ در آن را مشروع می‌دانند، خاورمیانه جدید هم منطقه منافع حیاتی این دو کشور خواهد شد و در آن جا نیز حق نفوذ و مداخله خواهند داشت. البته این دیدگاه مبتنی بر نظریه توطئه، گرچه جذاب است، طرفداران زیادی ندارد، با این همه در عمل هم آمریکا و هم اسرائیل نفوذ گسترده‌ای در کشورهای آسیای میانه و قفقاز دارند. اصطلاح خاورمیانه جدید نتوانسته است به تعبیری موردپسند و جافتاده در میان کشورها و سیاستمداران تبدیل شود و امروزه کمتر از آن یاد می‌شود.

۶. خاورمیانه بزرگ

اصطلاح خاورمیانه بزرگ را نیز سیاستمداران امریکایی در دوران ریاست جمهوری جرج بوش مطرح کردند، اما مقصودشان از این اصطلاح گسترش جغرافیای خاورمیانه کنونی نبود، بلکه بیشتر تحول کیفی آن را مدنظر داشتند. درباره اصطلاح خاورمیانه بزرگ بحث‌های زیادی در خاورمیانه صورت گرفته^۱ و برخی آن را پروژه نوین آمریکا برای برهم زدن نظم موجود و تجزیه منطقه قلمداد کرده‌اند،^۲ یا، با توجه به رویدادهای مربوط به بهار عربی، چنین دیدگاهی را ناکام شمرده‌اند،^۳ اما باید گفت که چنین موضوعاتی در طرح خاورمیانه بزرگ مطرح نشده و این دیدگاه بیشتر بر حدس و گمان و فرضیه‌های توطئه تکیه دارد و رویدادهای اخیر منطقه و ادله نامربوط به طرح خاورمیانه بزرگ اساس این تحلیل قرار گرفته است.^۴ آمریکا، براساس این طرح، به کشورهای منطقه کمک اقتصادی می‌داد تا پیشرفت کنند. به لحاظ سیاسی نیز این طرح، با تشویق و فشار، کشورهای اقتدارگرا را به سوی دموکراسی و توسعه سیاسی سوق می‌داد. پیشنهاد این طرح واکنش‌های نامساعد برخی از سیاستمداران حاکم منطقه را برانگیخت و برخی کشورهای منطقه چون مصر و عربستان، کویت و اردن یک‌رشته اصلاحات سیاسی رسمی را در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ آغاز کردند. با این همه و با وجود گذشت بیش از یک دهه از طرح خاورمیانه بزرگ،^۵ دگرگونی سیاسی و اقتصادی چشمگیری در منطقه روی نداد و گمان می‌رود که انگیزه اصلی آمریکا از

۱. برای نمونه ر.ک.: مجموعه دیدگاه‌های ایرانی و غیرایرانی در همایش مسائل و چشم‌اندازهای خاورمیانه: بررسی طرح

خاورمیانه بزرگ [تهران: ۱۳۸۴: تهران] ایران و خاورمیانه بزرگ: مجموعه مقالات (تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷)

۲. ر.ک.: محمدصادق الهاشمی، اشغال عراق توسط آمریکا و پیامدها و نتایج طرح خاورمیانه بزرگ، ترجمه محمدرضا بلوردی (تهران: اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۴).

۳. ر.ک.: حسین امیرعبداللهیان، ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی، با مقدمه علی اکبر ولایتی (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۹۱).

۴. برای نمونه ر.ک.:

Mahdi Darius Nazemroaya, *Plans for Redrawing the Middle East: The Project for a "New Middle East"* Global Research (May 19, 2015). <http://www.globalresearch.ca/plans-for-redrawing-the-middle-east-the-project-for-a-new-middle-east/3882>.

5. The Greater Middle East Initiative

این طرح مسائل امنیتی و لزوم رویارویی با خطر بنیادگرایی اسلامی بوده است. اقدامات امریکا در عراق و افغانستان و همکاری‌های سعودی‌ها و مصری‌ها و اردنی‌ها با امریکا در مهار و سرکوب اسلام‌گرایان رادیکال طرفدار القاعده این دیدگاه را تقویت کرد که نخستین نگرانی امریکا امنیت است نه دموکراسی. اقدام برای گسترش دموکراسی ممکن است، در وهله نخست، دوستان اصلی امریکا در منطقه، یعنی عربستان، مصر، اردن و شیخ‌نشین‌ها، را دچار مشکل کند. اما ایالات متحده خواهان چنین چیزی نیست. انگیزه ایجاد طرح خاورمیانه بزرگ شباهت زیادی به انگیزه کندی در طرح اتحاد برای پیشرفت^۱ در ۱۹۶۰ دارد. ظاهر آن طرح نیز پیشبرد دموکراسی و توسعه اقتصادی، اما هدف اساسی آن مهار کمونیسم بود. امریکا نیز در نهایت به کمک کشورهای اقتدارگرا به مهار کمونیسم دست زد، همان کاری که امروزه برای مهار بنیادگرایی رادیکال اسلامی صورت می‌گیرد.

کوتاه سخن این‌که از پنج دیدگاه مربوط به مرزها و حدود خاورمیانه دیدگاه سوم مسلط است و بیشترین کاربرد را در جهان امروز دارد. بر این اساس، خاورمیانه منطقه‌ای است که از مرزهای شرقی ایران آغاز می‌شود و تا سواحل شمال غربی افریقا ادامه می‌یابد. شمال خاورمیانه نیز از مرزهای جنوبی شوروی و سواحل مدیترانه تا جنوب شبه جزیره عربستان ادامه دارد.

۷. خاورمیانه یا غرب آسیا

همان‌گونه که گفته شد، از همان ابتدا که آلفرد ماهان اصطلاح خاورمیانه را پیشنهاد کرد، و به‌ویژه پس از رواج آن، هم ساکنان منطقه و هم پژوهشگران خارج از آن این اصطلاح را مورد نقد و بررسی قرار دادند. در حالی که گرایش‌های ناسیونالیستی پان‌عربی آن را ابزاری علیه هویت جهان عرب می‌دانستند و خواهان حذف آن بودند، در ایران مخالفت آشکاری با این اصطلاح صورت نگرفت و همچون سایر مناطق جهان به تدریج در نوشته‌های بومی رایج شد.

با این‌همه، با رواج تعبیرات و ترکیباتی دارای بار ایدئولوژیک همچون جهان اسلام، امت اسلامی، وحدت مسلمانان، مستضعفین جهان و نظایر آن در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی، به‌ویژه در قانون اساسی آن، برخی تردیدها درباره اصطلاح خاورمیانه ایجاد شد. موجد این تردید بیش از همه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بوده است. آیت‌الله خامنه‌ای در چند مورد اصطلاح خاورمیانه را تعبیری استعماری شمرده و به‌جای آن ترکیب غرب آسیا را مناسب دانسته است. مثلاً، می‌توان به عبارات زیر اشاره کرد:

البته من اصرار دارم این منطقه را «غرب آسیا» بگوییم، نه خاورمیانه. تعبیر خاوردور، خاور نزدیک،

خاورمیانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا. یعنی مرکز دنیا اروپاست، هر جا که از اروپا دور است اسمش خاور دور، هر جا نزدیک تر است خاور نزدیک است و هر جا وسط است خاورمیانه است. این تعریفی است که خود اروپایی‌ها کرده‌اند. ما این را قبول نداریم آسیا یک قاره است، شرقی دارد، غربی دارد و وسطی دارد. ما در غرب آسیا قرار داریم، بنابراین منطقه ما منطقه غرب آسیاست.^۱

در حالی که برخی تحلیلگران نیز ساخت اصطلاح خاورمیانه را در جهت سیاست «اروپامداری» تحلیل کرده‌اند،^۲ باید دانست که این اصطلاح پیشنهاد امریکایی‌ها بوده نه اروپایی‌ها، حتی بسیاری از اروپایی‌ها هم با آن مخالف بودند. به همین سبب هم اصطلاح خاورمیانه پیشنهادی آلفرد ماهان امریکایی، به تدریج در طول نیم قرن، جانشین جایگزین مفهوم اروپایی خاور نزدیک شد، نه ناگهانی. پس از این سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، رسانه‌های رسمی در برابر کاربرد اصطلاح خاورمیانه موضع‌گیری و از ترکیب غرب آسیا استفاده کردند. کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران نیز، در نشست مورخ ۲۹ آبان ۱۳۹۱، مسئله نام‌گذاری منطقه خاورمیانه را بررسی کرد و آن را «برآمده از اندیشه‌های استعماری غرب» و «دارای ابهام و ایراد اساسی از جنبه‌های مختلف جغرافیایی و سیاسی» دانست و استفاده از ترکیب «غرب آسیا» برای بخش آسیایی و «شمال افریقا» برای بخش افریقایی منطقه خاورمیانه را پیشنهاد کرد.^۳

در این میان برخی مدرسان دانشگاهی به دانشجویان خود توصیه کردند که از کاربرد اصطلاح خاورمیانه خودداری کنند و ترکیب غرب آسیا را به کار ببرند.^۴ در جریان دور تازه اسلامی‌سازی دروس دانشگاهی، به‌ویژه دروس رشته علوم سیاسی در اواسط دهه ۱۳۹۰ خورشیدی، موضع‌گیری در برابر اصطلاح خاورمیانه شدت گرفت و به جایی رسید که درس «سیاست و حکومت در خاورمیانه»، به‌عنوان درس اصلی رشته علوم سیاسی، از برنامه جدید اسلامی‌شده این رشته حذف شد. یعنی در حالی که چند درس درباره سیاست و حکومت در اروپا، امریکا، آسیای میانه و شرق آسیا در برنامه وجود داشت، درس خاورمیانه، به‌عنوان یکی از دروس مهم و اصلی این رشته حذف شد و ظاهراً درس فرعی و اختیاری دیگری درباره غرب و جنوب غربی آسیا به جای آن قرار گرفت.

البته باید به این نکته اشاره کرد که اروپامحوری یا غرب‌محوری و قوم‌مداری غربی در این واژه‌سازی‌ها

۱. سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۹۱/۵/۲۲.

۲. برای نمونه، ر.ک.: ابراهیم متقی، «اروپامداری: چرا غرب آسیا خاورمیانه نامیده شد؟» در خبرگزاری فارس (۱۳۹۲/۹/۲۳).

۳. «اعلام موضع کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران: غرب آسیا به جای خاورمیانه»، همشهری آنلاین، ۱۰ دی ۱۳۹۱.

۴. ر.ک.: محمد صادق کوشکی، «برای نخستین بار از واژه غرب آسیا به جای «خاورمیانه» استفاده کردم»، خبرگزاری فارس (۱۳۹۳/۱۱/۱۲).

واقعیتی انکارناپذیر است و چه بسا در گذشته قدرت‌های بزرگ جهانی، در دوره‌های باستانی، نیز به این کارها دست زده باشند. به این نکته نیز باید اشاره کرد که اصطلاح غرب آسیا گاه در خارج از ایران در متون مربوط به منطقه کاربرد داشته، اما چندان رواج پیدا نکرده است. مثلاً انتشارات هرترس و اکسفورد در اروپا، در کتاب سال ۲۰۱۷ خود، درباره روابط ایران و ترکیه و مسائل قفقاز جنوبی، که نگارنده نیز یکی از فصول آن را نوشته است،^۱ از عنوان «بازی بزرگ در غرب آسیا»^۲ استفاده کردند.

با این همه و با وجود ماهیت غربی این نام جغرافیایی، از آن‌جاکه کشورهای جهان و نهادهای حقوقی، اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای از اصطلاح خاورمیانه در اسناد، قراردادهای و گزارش‌های خود استفاده می‌کنند، ممکن است کنار گذاشتن کلی اصطلاح خاورمیانه و استفاده از اصطلاح غرب آسیا به نوعی دوگانگی منجر شود و پیامدهای حقوقی و مالی داشته باشد. از سوی دیگر، با توجه به این‌که مرزهای غرب آسیا چندان مشخص نیست و درباره این اصطلاح و محدوده‌های آن بحث‌چندانی صورت نگرفته و اجماعی نیز درباره آن وجود ندارد، مشخص نیست که معرفی ایران به عنوان عضوی از منطقه غرب آسیا، و نه خاورمیانه، چه تأثیری ممکن است بر جایگاه و گستره بازیگری ایران در منطقه داشته باشد. با توجه به این‌که اصطلاح رایج خاورمیانه به منطقه جغرافیایی گسترده‌ای از شرق ایران تا منتهی‌الیه غرب شمال آفریقا اطلاق می‌شود، اما گستره غرب آسیا، در نهایت، از شرق مدیترانه و مرزهای لبنان فراتر نمی‌رود، ممکن است محدود کردن ایران به عنوان عضو جامعه غرب آسیا دامنه بازیگری سیاسی و نقش‌آفرینی اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه امنیتی - نظامی کشور را محدود کند. با توجه به این نکات به نظر می‌رسد بهتر است برای پرهیز از این مشکلات احتمالی و تأمین منافع ملی ایران، با در نظر گرفتن اهمیت اصطلاح غرب آسیا، تا پیداشدن اصطلاحی جامع و مورد قبول منطقه و جهان، اصطلاح خاورمیانه را به‌طور کلی کنار نگذاشت.

۱. ر.ک.:

Hamid Ahmadi, "The Clash of Nationalism: Iranian Response to Baku's Irredentism", in *the Great Game in West Asia*, ed by Mehran Kamrava (New York: Oxford University Press, 2017), pp. 105-141.
2. Mehran Kamrava, ed, *the Great Game in West Asia*, (New York: Oxford University Press, 2017).